

راهکارهایی برای خروج استقلال از بحران

با توجه به وضعیت بغرنج تیم فوتبال استقلال، هواداران، مربیان، کارشناسان، پیشکسوتان و حتی دشمنان این تیم هم دلشان سوخته است و راهکارهایی برای برون رفت از این وضعیت اعلام می کنند. مثلاً ورمزبار گفته است اگر من جای این بازیکنان بودم، دیگر در استقلال نمی ماندم. یا بهتاش فریبا معتقد است استقلال مثل خانه ای کلنگی، باید کوبیده و از نو ساخته شود. حسن روشن هم گفته است با مدیران قرار گذاشتیم تعدادی از پیشکسوتان بروند سر تمرین تیم، لخت شوند و با تیم تمرین کنند تا بازیکنان روحیه بگیرند. خلاصه تا کار به جاهای باریک نکشیده است، چند پیشنهاد هم ما می دهیم تا ببینیم بالاخره برای این تیم باید چه کار کنیم.



کارتون: مجید صالحی

تکنیک های روان درمانی

اول از همه باید تیم را از نظر روانی درمان کنیم؛ به این صورت که همه بازیکنان را برای مشاوره در یک اتاق ساکت جمع کنیم. بعد در اتاق را ببندیم. سپس چراغ اتاق را خاموش کنیم و ناگهان از در دیوار عروسک و مجسمه های شیطانی جن و هیولا و موجودات وحشتناک بر سرشان بباریم. این روش درمانی روانی، هم باعث می شود باخت های قبلی را از یاد ببرند، هم با انگیزه بیشتر در مسابقه های بعدی ظاهر شوند (تا مبادا دوباره این بلا را سرشان بیاوریم) و هم هنگام فرار، سرعت استارت و دویدنشان افزایش می یابد. نام این روش هم درمان روانی است. چون ممکن است بعد از این معالجه، نصف بازیکنان روانی بشوند از ترس.

صفحه ۴
۳۰ فروردین ۱۴۰۴
شماره ۱۳۵

انفجار بمب روحیه

یک راه نهایی هم هست که به بچه های تیم روحیه بدهیم. مثلاً از یک بلاگر معروف و سلبریتی و اینفلوئنسر دعوت کنیم بیاید و برایشان برنامه شاد و مفرح اجرا کند. این طوری، هم روحیه بچه ها عوض می شود، هم بهشان احساس بانمکی دست می دهد و سعی می کنند جلب توجه کنند و هم می توان ویدئویش را در صفحه مجازی باشگاه گذاشت و ویو میلیونی گرفت. بعد آگهی جذب کنیم و به درآمدزایی برسیم. به همین راحتی. مشتبا قشش کن.

ترویج کار تیمی

از کار تیمی هم نباید غافل بود. می گویند ایرانی ها در کار و ورزش تیمی ضعیف هستند. باید این کلیشه را بشکنیم. مثلاً همه بازیکنان را جمع کنیم و بخواهیم به روش بارش فکری هر کدام راهی که به ذهنشان می رسد، برای خروج از بحران ارائه دهند. این روش باعث می شود بقیه اعضای تیم، هر کسی را که راهکاری می دهد، مسخره کرده و سعی کنند روش او را خراب کنند. در نتیجه برای نشان دادن خودشان، خوب بازی خواهند کرد. (پس چی؟ نکند خیال کرده اید قرار است خاصیت ژنتیکی ایرانی ها در کار تیمی را عوض کنیم! نه خیر، ما همین طوری هستیم. همین که هست!)

استفاده از سرمایه های داخلی

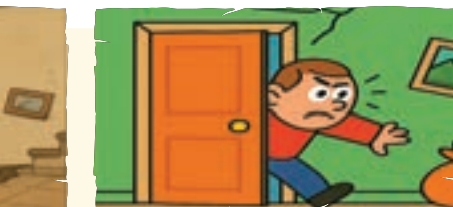
از قدیم گفته اند هیچ چیزی مربی داخلی نمی شود. برای همین بد نیست مدتی هم تیم را به یک مربی هم وطن بسپاریم. اصلاً بازیکنان ایرانی از بچگی به روش های متداول مربیان ایرانی عادت کرده و بار آمده اند. مثلاً تهدیدها و فحش هایی را که مربیان وطنی می دهند، هیچ مربی خارجی بلد نیست. یا تنبیهاتی که مربیان ایرانی می کنند، در کشورهای دیگر به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته می شود، ولی اینجا جواب می دهد. حتی سیستم بازی مربی های داخلی طوری است که در هیچ کتاب و درس و دانشگاهی موجود نیست و برای همین بسیار موفقیت آمیز خواهد بود.

چاردیواری، اختیاری!

آپارتمان نشینی هم مثل خیلی از پدیده های نوظهور جامعه، فرهنگ خاصی دارد که اتفاقاً به خوبی هم در جریان است! از جمله این فرهنگ ها به چند مورد اشاره می کنیم:



فرزانه زینلی



ساختمون باید محکم باشه، وگرنه باکوبیدن در آپارتمان که نباید قاب عکس از دیوار بیفته یا سقف یه طبقه ترک برداره!



روزای تابستون فقط کولر به داد گرما می رسه، اما آبی که از کولرت شرشر می ریزه توی بالکن همسایه پایین، یک مشکل اساسیه! ولی وجدانت راحتته، چون «آب روشناییه!»

سراید
آخه
راه پله
دم در
سرکوه